

خانواده تراز، پیشرانی برای پیشرفت ایران اسلامی

ندا ملکی فاراب^۱، رضا پورحسین^۲، سیمین حسینیان^۳، عباس عبداللهی^۴، رقیه نوری پور^۵، سما سادات سدید پور^۶

چکیده

خانواده به عنوان سلول اصلی سازنده اجتماع و با دوام ترین نهاد اساسی است که مبدا همه ساختارهای موجود اجتماعی بوده و علی رغم اینکه هسته ای کوچک از اجتماع را تشکیل می دهد، نقش حیاتی در سلامت و بیماری آن ایفا می کند. ارائه الگوی خانواده تراز اسلامی - ایرانی اولاً نظریه پردازان و پژوهشگران حوزه خانواده را در تحلیل و تبیین موقعیت کنونی و فعلی خانواده ایرانی یاری نموده و از تشتت نظرات و برداشت های متفاوت در این حیطه پیشگیری می کند و ثانیاً مکان تقویت و ارتقای سیاست گذارینها و قانون گذاری های مربوط به خانواده را فراهم می سازد. ستون های اصلی بنای خانواده تراز زن و شوهر هستند که با توجه به تفاوت های جنسیتی نقش های مختلفی را در راستای ثبات آن می پذیرند. نقش مرد سرپرستی او بر خانواده است که این سرپرستی، وظایف و حقوقی را برای او ایجاد میکند و از سوی دیگر زن نیز همسر و مادر است که نقش همسری و مادری نیز وظایف و حقوقی را بر او مترتب می سازد. هم ترازوی زن و مرد با در نظر داشتن حق هریک در مدیریت اجرایی خانواده را می توان الگوی ایرانی - اسلامی ساختار خانواده دانست.

واژه های کلیدی: خانواده تراز، الگوی اسلامی - ایرانی، مدیریت خانواده.

۱- مقدمه و بیان مسئله

کانون اصلی فرایند اجتماعی شدن فرد را خانواده شکل می دهد، بر این اساس، در شکل گیری نگرش ها، ارزش ها و باورداشت های فرد نقش اصلی را برعهده دارد و بر نوع روابط فرد با سایر افراد، عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر تأثیر می گذارد. در جهان بینی اسلامی نیز، خانواده مجموعه ای از افراد با روابط سببی همچون ازدواج و نسبی همچون والد-فرزندی و خواهر و برادری که این افراد نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط مسئولیت های مختلفی دارند (سالاری فر، ۱۳۸۸). در تعالیم اسلامی هیچ بنایی در نزد خداوند نیکوتر از خانواده نیست و بنای آن بر مودت و رحمت استوار است.

در طول تاریخ ایران - قبل و بعد از ورود اسلام - نیز پیوندهای خانوادگی منزلت بالایی داشتند. خانواده یکی از نهادهای اصلی اجتماعی است که منشاء ایجاد یک جامعه جدید به رغم کوچک بودن دارای آثار و کارکردهای پر دامنه زیستی، روانی، دینی،

۱. دکترای روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران: malekineda59@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران، گروه روانشناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد دانشگاه الزهراء، گروه مشاوره دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۴. استادیار دانشگاه الزهراء، گروه مشاوره دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۵. دکترای مشاوره، گروه مشاوره دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۶. دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی

آموزشی، تربیتی، جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و تأثیر آشکار و پنهان آن بر دیگر نهادهای اجتماعی و متقابلاً تاثیرات گوناگون آن نهادها بر خانواده باعث شده است که اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی و نیز سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی به طور فزاینده و گسترده به حوزه خانواده و مسائل مرتبط با آن پرداخته و هرکدام با رویکردهای مختلف و با تکیه بر دیدگاه‌های دینی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و ... این نهاد را تعریف کرده و مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند (ملکی، ۱۳۹۶). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حتی تأثیر انسجام محلی در عملکرد خانواده بستگی به نوع خانواده دارد (فریستاد و استروچین، ۲۰۱۲). ساختار خانواده در افزایش استعداد کودکان تأثیر مستقیم دارد (فاگان^۸، ۲۰۱۶) و به طور قطع در روی آوردن افراد به ناهنجاری‌های اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند (بارت و ترنر^۹، ۲۰۰۵)، اگرچه این تأثیر به صورت موقت است و با اصلاح ساختار خانواده می‌توان پیامدهای منفی ناشی از تغییر را مدیریت کرد (بوکسیو و بیور^{۱۰}، ۲۰۱۷) و از آن جا که ساختارها و فرآیندهای خانواده در هم آمیخته است و مداخلات مبتنی بر خانواده عامل هدایتی مؤثرتری در پیشرفت کشورها خواهد بود (آرنولد^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۵)

در سال‌های اخیر به ویژه در شرایط کنونی به موازات ترویج گفتمان «تمدن ایرانی-اسلامی» و گسترش مباحث پیرامون لزوم اتخاذ الگویی خاص برای سبک زندگی متناسب با جامعه ایرانی-اسلامی، یکی از محورهای مناقشات فکری در میان نظریه‌پردازان اجتماعی، نوع‌نگرش به نهادهای بنیادین اجتماعی یعنی سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت و خانواده بوده است. در این میان تعریف و ترسیم الگوی مناسب و مطلوب کارآمد و تراز خانواده ایرانی-اسلامی در راستای پاسخگویی به نیازها و چالش‌های خانواده ایرانی، یکی از علقه‌ها و تمایلات مهم پژوهشگران این حوزه می‌باشد و علی‌رغم تلاش‌های فراوان ایشان در راستای تدوین الگوی خانواده تراز ایرانی-اسلامی، مطالعات و پژوهش‌های انجام شده از جامعیت لازم برخوردار نبوده و از این رو شناخت ویژگی‌های خانواده تراز ایرانی-اسلامی و الگویی متناسب با بافت فرهنگی-اجتماعی جامعه ایرانی توجهی بیش از پیش را می‌طلبد.

بنابراین ارائه الگوی خانواده تراز اسلامی-ایرانی اولاً نظریه‌پردازان و پژوهشگران حوزه خانواده را در تحلیل و تبیین موقعیت کنونی و فعلی خانواده ایرانی یاری نموده و از تشنت نظرات و برداشتهای متفاوت در این حیطة پیشگیری می‌کند و ثانیاً مکان تقویت و ارتقای سیاست‌گذاریها و قانون‌گذاری‌های مربوط به خانواده را فراهم می‌سازد. اهمیت خانواده به عنوان یک نهاد تأثیرگذار در پیدایش تحولات اجتماعی انسانی آشکار است. خانواده منشاء اجتماعات بشری است و بسیاری از نهادهای موجود و کارکردهای آنها ریشه در خانواده دارد که طی فرآیند تمایز، به تدریج از خانواده جدا و به ساختار گسترده نظام اجتماعی واگذار شده است. خانواده در بافت فرهنگ اسلامی-ایرانی نیز مهمترین رکن نظام اجتماعی می‌باشد در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است: «ایران کشوری است توسعه یافته برخوردار از..... نهاد مستحکم خانواده...» و این در حالی است که این نهاد در چند دهه گذشته با توجه به دگرگونی‌های تدریجی خرد و کلان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از رویایی نظام اجتماعی ایران با جریان مدرنیته و تحت تاثیر عوامل مختلف از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی که افزایش کمی و کیفی آنها از اقتضائات حرکت جامعه به سوی مدرن شدن می‌باشد دستخوش

7 Freistadt & Strohschein

8 Fagan

9 Barrett & Turner

10 Boccio & Beaver

11 Arnold

دگرگونی‌های فراوان شده و در مواردی این تغییرات آسیب‌های جدی را متوجه سلامت، قوام و عملکرد خانواده ساخته است. لذا ضروری است در راستای برطرف نمودن تشکتهای و پراکندگی‌های موجود در این زمینه و با وجود دشواری آن پژوهشی با هدف ارائه الگوی جامع و تراز از خانواده ایرانی- اسلامی ارائه گردد. هدف پژوهش حاضر شناسایی ویژگی‌های ساختاری خانواده تراز اسلامی- ایرانی است.

۲- پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌ها به بحث ساختار خانواده زن و شوهری و نقش‌ها و وظایف و تفاوت‌های میان ایشان می‌پردازند. فرد نمی‌تواند به طور کامل تعلق به خانواده را از دست دهد. تحقیق و بررسی تفاوت‌های زن و مرد در کشورهای غربی با تحقیقات مشابه آن در کشورهایی چون ایران به لحاظ موضوع متفاوت است. هدف این نوع مطالعات در غرب، رسیدن به روشی برای استفاده از تفاوت‌ها در پیشبرد برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی- با وجود ادعای برابری جنسیتی- است. در حالی که در ایران، از تفاوت زن و مرد برای توجیه نابرابری‌های عینی در موضوع‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه استفاده می‌کنند - در عین اعتقاد و پایبندی به برقراری عدالت جنسیتی- با مروری بر تحقیقات در حوزه تاثیر تفاوت‌های جنسیتی روی اخلاق در غرب، مشخص شد که پژوهش‌ها بیشتر در چهار حوزه توسعه معنوی، ارزش اخلاقی، حساسیت‌های اخلاقی و رفتار اخلاقی انجام شده است. روابط جنسی سالم در آرامش و سازگاری زن و شوهر و ساختار خانواده تأثیر جدی دارد (حسین زاده، ۱۳۸۸).

فیاض و خضری (۱۳۹۴)، در بررسی بررسی هویت زن ایرانی - مسلمان از خلال مفاهیم جنسیت در می‌یابند در ساختار خانواده‌های ایرانی، مفاهیم اسلامی به زنان این باور را داده است که از نظر وجودی با مردان برابر هستند. این باور به تجربه زیست شده زنان رویکردی انتقادی نخواهد داشت. در این راستا زنان ایرانی - مسلمان هویت خود را در برابر مردان تعریف نمی‌کنند و شناخت به نسبت قدرت در چارچوب این باور مهم‌تر دانسته می‌شود. نقطه‌ی مهم تاریخ ایران، که موجب تغییراتی در اوضاع اجتماعی و فرهنگی تهران شد را می‌توان اولین سفر ناصرالدین شاه به اروپا دانست (ارمغان، سلطان زاده و ایرانی بهبهانی، ۱۳۹۴). بررسی ساختار خانواده توسط گروسی (۱۳۸۹) نشان داد ویژگی‌های نیمرخ روانی و ساختار خانواده کودک‌کن در معرض سوءرفتار جنسی و کودک‌کن عادی را می‌توان به عنوان فعالیتی ضروری برای پیشگیری از انواع آسیب‌های اجتماعی دانست. در جامعه‌شناسی، پناهی (۱۳۹۳) تأکید می‌کند هر فردی اعم از زن و مرد، به عنوان عنصری از جامعه انسانی، دارای جایگاه ویژه و مرزهای تعریف شده است. قرار گرفتن هریک از زن و مرد در نقش متناسب خود و رعایت مرزها، آثار اجتماعی و تربیتی بسیاری در نظام خانواده و در جامعه خواهد داشت. فرهنگ مردسالاری در خانواده مطرح می‌شود (خضری، ۱۳۸۹). نقدهایی نیز در رابطه با خوی فرهنگی مآبی ایرانی‌ها صورت می‌گرفت (عین السلطنه، ۱۳۷۴). در کنار تمام نقدها می‌توان به تأثیرات مهم ارتباط و تأثیرپذیری از غرب در زندگی برخی مردان و زنان اعیانی تهران پرداخت. چنان که ارتباط ایرانیان، به ویژه اشراف، با خارجی‌ها، آمد و رفت مردان ایرانی با مردان و زنان خارجی و زنان ایرانی با زنان خارجی، (اتحادیه، ۱۳۸۸) باعث شد ابتدا زنان فرنگی آزاد در جامعه ی زنان پوشیده و پنهان شده ی آن دوره حضور یابند و مردان اعیانی آمادگی حضور زنان ایرانی را در جامعه پیدا کنند. زنان اعیانی نیز به مقایسه ی زندگی خود با زنان غرب پرداخته و همگی به تدریج تغییراتی را در تعریف نقش و جایگاه زن در جامعه و خانواده پدید آورد (فرمانفرمایان، ۱۳۸۷). تقوی پور و صلواتیان (۱۳۹۴)، به اهمیت خانواده در تمدن اسلامی و نقش بی‌بدیل این نهاد مقدس در انتقال فرهنگ و عقاید به نسل‌ها و همچنین تأثیر شگرف سلامتی خانواده بر صحت روانی جامعه و ارائه ی الگوی مطلوب خانواده تراز اسلامی اشاره می‌کند. اسلام میان زن و مرد از نظر تدبیر شئون اجتماع و دخالت اراده و عمل

آن دو در این تدبیر و مدیریت تساوی کامل برقرار کرده است و کسی بر کسی مزیت ندارد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۹ و ج ۴: ۳۶۲ - ۲۲۹).

۳- چهارچوب نظری

در این بخش مرتبط با ساختار خانواده بنظریه ررسی می شود. نخست نظریه آگ برن که مدعی شد خانواده در دوره جدید کارکردهای گذشته‌اش را از دست داده و کارکردهای محدودی را نگاه داشته است. این اولین گام در تغییر خانواده از ساختار سنتی (گسترده) به ساختار (هسته‌ای) بود (آگ برن^{۱۲}، ۱۹۳۴). دوم، مینوچین^{۱۳} که معتقد است در یک خانواده دارای عملکرد مطلوب اعضای خانواده به طور عاطفی به هم پیوسته اند ولی با این وجود، برای گسترش هویت فردی خود تشویق شده اند، مقررات واضح و روشن است، هریک از اعضا برای یافتن راه حل‌هایی جهت حل شایسته تعارضها و مسایل گام برمی دارند. خانواده در همان حال که از چرخه‌های زندگی خود در حال گذر است، می‌کوشد تعادل ظریف بین ثبات و تغییر را حفظ کند؛ هر چه قدر خانواده کارکرد سالمتری داشته باشد، در طی دوره انتقالی خانوادگی نسبت به تغییر گشوده‌تر است و بیشتر مایل است که متناسب با شرایط متغیر، ساختار خود را اصلاح کند (مینوچین، ۱۳۷۶). فضای چنین خانواده‌ای مملو از عشق و پذیرش بدون قید و شرط هر عضو خانواده است. در نتیجه این عشق و پذیرش، خانواده می‌تواند تعارض را تحمل کند و با میل و رغبت درخواست کمک اعضا را وقتی نیازمند کمک اند اجابت کند. سوم. کلمن که باور دارد ساختار روابط ابتدایی در خانواده‌ها در حال از هم پاشیدگی است و اینکه خانواده‌های والدینی در مقایسه با خانواده‌های تک والدی پیامدهای بهتری برای فرزندان خواهند داشت (کلمن^{۱۴}، ۱۹۶۶).

۴- روش پژوهش

نظر به اینکه مطالعه کیفی حاضر در صدد بوده است مدل خانواده تراز در جمهوری اسلامی ایران را بر اساس پارادایم اسلامی تدوین کرده و ویژگی‌های آن را تعیین و مشخص نماید لذا لازم بود روشی مورد استفاده قرار گیرد که در آن فرایند پژوهش به تدوین مدل خانواده تراز منتهی گردد، لذا "رهیافت ظاهرشونده" گلاسر به عنوان رهیافت مسلط بر پژوهش انتخاب شد. در این نوع رهیافت لزوماً کدگذاری محوری به شکل گیری الگوی پارادایمی اشتراوس منتهی نمی‌شود بلکه گونه‌ای از نظم دهی مفهومی در مورد داده‌های جمع آوری شده اتفاق می‌افتد. این گونه نظم دهی مفهومی همان نظم دادن به داده‌ها می‌باشد که بر حسب گام‌ها یا مرحله‌هایی که در حد کفایت توصیف شده باشند انجام می‌گیرد (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰). در این نظم دهی مفهومی نظریه پرورش یافته‌ای شکل نمی‌گیرد بلکه شرایطی به وجود می‌آید که ابعاد شکل دهنده مدل خانواده تراز را توصیف میکند. پس از انتخاب رهیافت مناسب تدوین سوال پژوهش شروع می‌شود و عوامل تعیین کننده پژوهش و روش‌های مورد استفاده برای گردآوری و تحلیل داده‌ها را معلوم می‌کند و از آنجا که هدف عمده رهیافت نظریه زمینه‌ای کاوش در فرایندهای اجتماعی و موضوع‌هایی است که ماهیت فرآیندی، سیال و درمان‌شدن دارند، لذا اهداف و سوال‌های اولیه این نوع پژوهش نیز باید به صورت فرآیندی، باز و انعطاف پذیر طرح شوند. مستلزم این امر پالایش و تهذیب

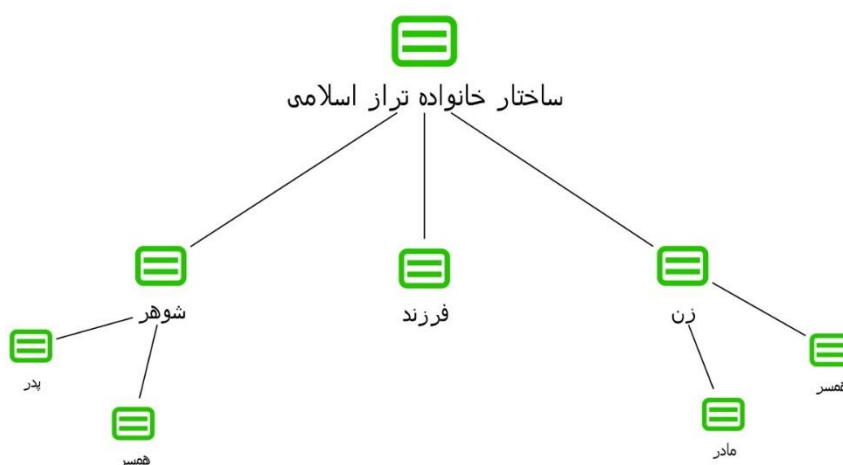
موضوع پژوهش و سوال های مرتبط با آن در حین تولید و تحلیل داده ها می باشد. (استربرگ، ۲۰۰۱؛ آرباخ و سیلورستین، ۲۰۰۳ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). سپس داده ها از طریق مشاهده منابع گوناگون جمع آوری می شود پس از جمع آوری داده ها کدگذاری آنها در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شده و در نهایت با رسیدن به این فرایند به پایان می رسد. در ادامه به اختصار مراحل پژوهش حاضر که با تکیه بر نظریه زمینه ای انجام شده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نظر به اینکه مطالعه کیفی حاضر در صدد بوده است مدل خانواده تراز در جمهوری اسلامی ایران را بر اساس پارادایم اسلامی تدوین کرده و ویژگی های آن را تعیین و مشخص نماید لذا لازم بود روشی مورد استفاده قرار گیرد که در آن فرایند پژوهش به تدوین مدل خانواده تراز منتهی گردد، لذا "رهیافت ظاهرشونده" گلاسر به عنوان رهیافت مسلط بر پژوهش انتخاب شد. در این نوع رهیافت لزوماً کدگذاری محوری به شکل گیری الگوی پارادایمی اشتراوس منتهی نمی شود بلکه گونه ای از نظم دهی مفهومی در مورد داده های جمع آوری شده اتفاق می افتد. این گونه نظم دهی مفهومی همان نظم دادن به داده ها می باشد که بر حسب گام ها یا مرحله هایی که در حد کفایت توصیف شده باشند انجام می گیرد (اشتراوس و کریبن، ۱۳۹۰). در این نظم دهی مفهومی نظریه پرورش یافته ای شکل نمی گیرد بلکه شرایطی به وجود می آید که ابعاد شکل دهنده مدل خانواده تراز را توصیف میکند. پس از انتخاب رهیافت مناسب تدوین سوال پژوهش شروع می شود و عوامل تعیین کننده پژوهش و روش های مورد استفاده برای گردآوری و تحلیل داده ها را معلوم می کند و از آنجا که هدف عمده رهیافت نظریه زمینه ای کاوش در فرایندهای اجتماعی و موضوع هایی است که ماهیت فرآیندی، سیال و درمان شدن دارند، لذا اهداف و سوال های اولیه این نوع پژوهش نیز باید به صورت فرآیندی، باز و انعطاف پذیر طرح شوند. مستلزم این امرپالایش و تهذیب موضوع پژوهش و سوال های مرتبط با آن در حین تولید و تحلیل داده ها می باشد. (استربرگ، ۲۰۰۱؛ آرباخ و سیلورستین، ۲۰۰۳ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). سپس داده ها از طریق مشاهده منابع گوناگون جمع آوری می شود پس از جمع آوری داده ها کدگذاری آنها در سه مرحله باز، محوری و انتخابی انجام شده و در نهایت با رسیدن به این فرایند به پایان می رسد. در این پژوهش از به کار گیری طبقات و دسته بندی های از قبل تعیین شده اجتناب گردید تا طبقات از درون داده ها استخراج شوند. برای عملیات مذکور از نرم افزار MAXQDA 11 استفاده شد. استفاده از این نرم افزار، تکنیک های تحلیلی همچون کدگذاری نظری را آشکار و شفاف کرده و زمینه افزایش اعتبار تحقیق را فراهم می آورد.

۵- یافته ها

یکی از شاخص های خانواده تراز ویژگیهای ساختاری آن می باشد که نحوه ترکیب و تعامل افراد با یکدیگر را در خانواده توصیف می کند. ساختار خانواده تراز اسلامی با حضور زن و شوهر شکل می گیرد که بعدها ممکن است فرزند نیز به آن اضافه شود. البته ستون های اصلی بنای خانواده تراز زن و شوهر هستند که با توجه به تفاوت های جنسیتی نقشهای مختلفی را در راستای ثبات آن می پذیرند. نقش مرد سرپرستی او بر خانواده است که این سرپرستی، وظایف و حقوقی را برای او ایجاد میکند و از سوی دیگر زن نیز همسر و مادر است که نقش همسری و مادری نیز وظایف و حقوقی را بر او مترتب می سازد. جدول و نمودار زیر بیانگر ویژگیهای ساختاری خانواده تراز اسلامی می باشد:

جدول ۱- ساختار خانواده تراز

کد گزینشی	کد محوری ۱	کدهای باز
ساختار	مرد	پدر
		شوهر
	زن	مادر
		همسر
	فرزند	



نمودار ۱: ساختار خانواده تراز

۶- نتیجه گیری

خانواده مانند تمام ارگانیزم‌هایی که باید با محیط خود سازگار شوند، نیاز به سازمان‌بندی درونی دارد و این قواعد حاکم بر آن است که تعیین می‌کنند چگونه، چه زمانی و با چه کسی ارتباط برقرار شود و همین سازمان‌بندی و قواعد آن است که الگوهای تعاملی ساختار خانواده را به وجود می‌آورند (کولاپینتو^{۱۵}، ۱۹۹۱؛ به نقل از موسوی، ۱۳۹۵). مینوچین (۱۹۷۴) معتقد است ساختار خانواده عبارت است از یک سری درخواستهای کارکردی یا کدهای نامریی که روش تعامل اعضای خانواده را سامان می‌دهد. به بیان دیگر، ساختار، مجموعه قواعد عملی را نشان می‌دهد که برای انجام اعمال مهم خانواده تکامل می‌یابد. ساختار، چارچوبی را برای فهم الگوهای هماهنگ، تکراری و پایدار خانواده به وجود می‌آورد، چگونگی سازمان‌بندی خانواده برای حفظ ثبات را آشکار می‌کند و تحت مجموعه‌ای از شرایط محیطی در حال تغییر به دنبال راه‌های سازگاری است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد ساختار خانواده تراز اسلامی مانند یک سیستم است که اجزای ساختار آن از زیرسیستم‌هایی تشکیل شده‌اند و وظایف متفاوت و لازم برای عملکرد کل سیستم را برعهده دارند. خانواده تراز اسلامی وظایف اصلی خود را با سازمان‌بندی زیرسیستم‌ها (اغلب به شکل سلسله مراتبی) انجام می‌دهد. تقسیم زیرسیستم‌ها بر طبق جنسیت (مرد/زن)، نسل (والدین/فرزندان) و نیز عملکرد (چه کسی مسئول چه کارهایی است) شکل می‌گیرد.

مهمترین و شاخص‌ترین زیرسیستم‌های خانواده، والدین و خواهر و برادرها هستند و استحکام و پایداری زیرسیستم زن و شوهر، کلید ثبات خانواده است و مرزهای میان آن‌ها به صورت روشن تعریف شده است و هر کدام از اجزا با آگاهی از نقش و وظایف خویش و جایگاه خود در خانواده به تراوایی (روشن بودن) مرزها کمک می‌کنند. روشنی مرزها از سویی به اعضا حس «من بودن» می‌دهد و از سویی حس تعلق به گروه‌ها، به عبارت دیگر اصالت فرد در کنار اصالت جمع تعریف می‌شود. در خانواده تراز، تمام زیرسیستم‌ها در جهت یکپارچگی گام برمی‌دارند تا بدین‌سان تفاوت‌ها تضمین شوند و در همان حال، وحدت کل سیستم نیز حفظ گردد. از دیدگاه اسلام مرد قیومیت و سرپرستی خانواده را بر عهده دارد و در قرآن کریم با لفظ قوام از نقش او در خانواده یاد شده است.

واژه قوام صیغه مبالغه از فعل قام و به معنای بسیار قیام کننده است که در چند آیه از قرآن کریم به کار رفته اما در آیه ۳۴ از سوره مبارکه نساء کلمه قوام با حرف «علی» متعدی شده است. لغت‌شناسان، مفسران و فقیهان در تفسیر قوامیت در این آیه دو رویکرد را اتخاذ کرده و به دو دسته تقسیم می‌شوند: یک دسته قوامیت را معادل مفاهیمی مانند سلطه، حکومت، ولایت، ریاست و استحقاق طاعت دانسته و دسته دیگر، مفاهیمی همچون کفالت، حمایت، کارگزاری، رسیدگی و نگرهبانی را در بر می‌گیرد. البته این دو دسته منافاتی با یکدیگر نداشته و در مقام ثبوت هر دو، شامل مفهوم قوامیت می‌شوند اما در مقام اثبات این واژه با بررسی کاربردهای آن در متون حدیثی و نیز قرائتی که در خود آیات و نیز روایات وجود دارد می‌توان دریافت که بر مفهوم دسته دوم دلالت دارد.

از سوی دیگر با در نظر گرفتن سیاق آیه ذکر شده که بر انفاق مردان بر زنان اشاره می‌کند نمی‌توان معنای سرپرستی و اختیار داری مردان نسبت به زنان را انکار کرد البته محدوده این سرپرستی از ایه مذکور مستفاد نمی‌گردد.

لازم به ذکر است اغلب اندیشمندان مسلمان مدلول این آیه را قوامیت مردان بر زنان دانسته‌اند و برخی دیگر قوامیت شوهران بر همسرانشان که می‌تواند شامل هر دو مدلول باشد. مفاد آیه نیز بر انشائی و تشریحی بودن آن دلالت داشته و واژه قوامیت هم حق و هم تکلیف برای مردان به شمار می‌رود. مقصود از فضیلت در این آیه که دلالت بر فضیلت مردان بر زنان دارد نیز به معنای فزونی می‌باشد نه برتری ارزشی. چرا که مفهوم قوامیت نیز فاقد بار ارزشی می‌باشد که مفسران در توضیح و تعیین مصداق یا مصادیق این تفضیل از شواهد و قرائن خارجی و یا جنبه حدسی و استحسائی بهره برده‌اند. هر چند اندیشه وجود تفاوت‌های طبیعی بین مردان و زنان (خواه تفصیل مردان بر زنان به طور مستقیم بر این تفاوت‌های طبیعی نادانی باشد و خواه مقصود از این جمله امتیازهای حقوقی مردان مانند بیشتر بودن سهم الارث باشد که خود ریشه در تفاوت‌های طبیعی دارند) در این آیه اجمالاً تأیید شده است. از میان دو دلیل قوامیت یعنی تفصیل و انفاق در آیه نیز انفاق علت قوامیت و تفضیل حکمت آن می‌باشد.

آیه مذکور، به روشنی بیانگر مدیریت و سرپرستی مرد بر همسر خود در خانواده است. در روایات نیز وجود مدیر و سرپرست واحد برای هر گروه و سازمانی ضروری بوه و ساختار فاقد مدیر، سامان خود را از دست می‌دهد (نهج البلاغه، خطبه ۴۰) چنان که متعدد بودن مدیران نیز خود باعث نا بسامانی است (کلینی، ۱۴۰۷). همه متفکران مسلمان، همچون مفسران و فقیهان و نیز دیگر نخبگان، با تکیه بر داده‌های دینی، اتفاق نظر دارند که در خانواده طبیعی و هسته‌ای تشکیل یافته از زن و شوهر، مدیریت با شوهر است؛ اما با ازدست دادن شوهر، وضعیت تغییر کرده و زنان ناگزیر از سرپرستی می‌شوند

شاخص‌های مدیریت مرد بر خانواده در اسلام در دو دسته نشانه‌های سرپرستی مرد بر همسر و نشانه‌های سرپرستی بر فرزندان قرار می‌گیرد:

۱- شاخص های سرپرستی همسر که برابر آیات و روایات این شاخص ها عبارتند از وجوب تمکین زن در مقابل وجوب پرداخت نفقه او از سوی مرد (نساء، ۳۴) چگونگی حق طلاق و شرایط و محدودیت های آن (بقره، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۷)؛ مواردی که حاکی از وجود نوعی ضعف برای زنان بوده و بنابراین نباید زنان را به کارهای سخت واداشت (کلینی، ۱۳۶۳، حرعاملی، ۱۴۲۲)؛ منع واگذاری سرپرستی زنان به خود آنان در صورت حضور داشتن شوهرانشان (عیاشی، ۱۳۸۰؛ طوسی، ۱۳۶۴) و توکید و توصیه به زنان در خصوص اطاعت از شوهرانشان (کلینی، ۱۴۲۲).

۲- شاخص های ولایت بر فرزندان ولایت پدر بر فرزندان (کلینی، ۱۳۶۳؛ صدوق ۱۳۶۶؛ طوسی، ۱۳۹۰)؛ اجازه پدر در عقد ازدواج فرزندان کوچک (صغیر) (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۶) و نیز ولایت پدر در ازدواج دختر باکره (طوسی، ۱۳۷۲).

بنابراین در الگوی اسلامی، مدیریت خانواده سمت رسمی مدیریت با برخی اختیارات مشخص و محدود، در ازای برخی وظایف و تعهدات مشخص به شوهر (پدر) تعلق می گیرد و به منظور تضمین هرچه بهتر رعایت حقوق و تعهدات خانوادگی، از یک سو تدابیری برای مداخله قضایی پیش بینی شده که به طور عمده بر پایه مفاهیم اضرار و عسر و حرج استوارند و با اجرای صحیح این تدابیر، بسیاری از زمینه های تضییع حقوق زنان از میان می روند و از سوی دیگر از طریق اشتراط ضمن عقد امکان محدود سازی اختیارات مدیریتی مرد هم تا اندازه ای فراهم است (بستان، ۱۳۸۴).

در الگوی زن سالاری، لازمه ارتباط خانواده با محیط بیرون از خود، نادیده گرفتن تفاوت های جنسی و جنسیتی و اختلاف هایی است که حریم خانواده را در هم شکسته و فرزندان را با کمبودهای عاطفی روبرو می سازد. در الگوی پدر سالاری نیز، آزادیها و ارزش های انسانی مخدوش شده و کانون گرم و پرمهر خانواده آسیب می بیند اما رابطه عمودی و سلسله مراتب مورد نظر اسلام با مهار اعمال قدرت، استقلال نسبی هر یک از ارکان خانواده حفظ می شود و هیچ یک از آنها مجاز نیستند در حوزه دیگری دخالت نمایند؛ در راس این سلسله مراتب مردان از نقش برجسته تری برخوردارند اما در عین حال همانند نظامهای پدرسالار مردان مطلق در خانواده نیستند بلکه اقتدار آنان نیز نسبی است و می بایست همواره در تمام کارها و مسائل مربوط به اعضای خانواده عدالت داشته و با اخلاق نیکو با آنها رفتار نماید و به حقوق و وظایف تعیین شده خویش عمل نماید. افزون بر این اسلام با مورد توجه قرار دادن تفاوت های جنسی و جنسیتی و تأکید بر اصل مشورت و ارج نهادن به آزادیهای فردی و ارزش های انسانی و نیز توصیه و تشویق به تقدم ارزشهای اخلاقی بر قوانین حقوقی الگویی مبتنی بر تفاهم و همفکری ارائه می کند که برخی آن را با تعبیر مدیریت شورایی در روابط خانواده و مدیریت اجرایی مرد در روابط خانواده با اجتماع توصیف کرده اند که از میان این نظریه ها نظریه های موافق اشتغال زنان، با تاثیر پذیری از دو عامل الف (مبانی ارزشی و ایدئولوژیک صاحب نظریه ها ب) شواهد تجربی مورد استناد ایشان به دودسته تقسیم می شوند:

۱- دسته ای که ارزشمندی نهاد خانواده را انکار می کنند و شعار فسخ خانواده سر می دهند.

۲- دسته دوم به اهمیت ارزش های زندگی خانوادگی اذعان دارند و می کوشند تا الگوی جدیدی از خانواده که در راستای هدف غایی خود که برابری جنسی باشد معرفی کنند.

در مقابل این نظریه ها نظریه های مخالفی قرار دارد که هدف غایی خود را عدالت معرفی کرده و برابری جنسی به عنوان یک ارزش ثانوی توسط عدالت معرفی گردیده و در راستای آن جرح و تحویل می شود. به عنوان مثال تالکوت پارسونز در دیدگاه

کارکرد گرایانه خویش الگوی متعارف تقسیم نقش‌ها و وظایف میان زن و شوهر را عادلانه می‌داند به این دلیل که نقش‌های متفاوت آن‌ها معادل یکدیگرند و این نوع تقسیم کار جنسی میان زن و شوهر به ایفای بهتر کارکردهای اصلی خانواده در زمینه تثبیت شخصیت بزرگسالان و جامعه پذیری کودکان کمک نموده و ثبات و یکپارچگی اجتماعی نقشی اساسی دارد. در مورد عامل دوم نیز باید به پژوهش‌های تجربی فراوانی اشاره کرد که درباره موضوعاتی مانند تاثیر اشتغال مادران بر فرزندان و نیز تاثیر اشتغال زنان بر ثبات زندگی زناشویی انجام شده است و بر ایجاد اختلال در نقش‌های مادری و همسری زنان در اثر اشتغال ایشان دلالت دارد. (لبیبی، خانواده در قرن بیست و یکم، ۱۳۹۲)

اما الگوی مدیریتی اسلام طبق پژوهش‌ها با سایر الگوهای مدیریتی متفاوت می‌باشد و رویکردی منعطف از مدیریت خانواده را ارائه می‌کند. در تبیین الگوی اسلامی مدیریت خانواده باید گفت که مدیریت خانواده را می‌توان در دو ساختار اقتدار عمودی افراطی و اقتدار افقی تصور نمود؛ در ساختار اقتدار افراطی عمودی، یکی از ارکان خانواده به عنوان قدرت متمرکز و مطلق در بالا و دیگری در پایین قرار می‌گیرد؛ الگوهای مردسالاری و زن‌سالاری، در مصداق‌های ساختار اقتدار عمودی افراطی اند؛ در ساختار اقتدار افقی هیچ یک از ارکان خانواده نسبت به دیگری از اقتدار بیشتری برخوردار نبوده و هر دو رکن خانواده یکسان و برابرند. مصداق این نوع از اقتدار را می‌توان در الگوی مشارکتی و دموکراتیک خانواده جستجو نمود.

نظر به همین رویکرد خانواده ایرانی-اسلامی، خانواده‌ای است که عناصر اجتماعی و فرهنگی تشکیل‌دهنده آن برآمده از ویژگی‌های مطلوب تاریخی خانواده ایرانی و همچنین آموزه‌های دین اسلام درباره خانواده است. این الگو مدعی است که با عنایت به آموزه‌های دینی و توجه هم‌زمان به مقتضیات خانواده در ابعاد اجتماعی و فرهنگی ایران، می‌توان به خانواده سالم و اخلاقی دست یافت و البته لازمه چنین شرایطی، ایجاد سبک زندگی ایرانی-اسلامی در جامعه است. مهمترین اهداف تدوین الگوی ایرانی-اسلامی خانواده به شرح زیر ذکر شده است:

- ۱- محوریت خانواده در پیشرفت فرد و جامعه
- ۲- آسیب‌زایی شرایط فعلی خانواده برای جامعه و لزوم رفع آن
- ۳- تحکیم روابط و بعد عاطفی میان فردی و اعضای خانواده
- ۴- تسهیل فرآیند ازدواج در جامعه
- ۵- کاستن از رواج الگوهای غربی در سبک زندگی خانواده‌های ایرانی

۷- منابع

- ۱- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۸). زنانی که زیر مقنعه کالهداری کردند. تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۲- ارمغان، مریم؛ سلطان زاده، حسین و هما ایرانی بهبهانی (۱۳۹۴). از تعریف نقش زن در خانواده و تاثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار. نشریه باغ نظر، ۳۴(۱۲)، ۱۱-۲۴.
- ۳- بستان، حسین (۱۳۸۴). تشیع و تاثیر آن بر خانواده در ایران. فصلنامه شیعه‌شناسی، ۳(۱۱)، ۹۵.
- ۴- پناهی، علی احمد (۱۳۹۳). تفکیک نقش‌ها و مرزهای جنسیتی در جامعه با تاکید بر آثار تربیتی. دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، ۱۲(۳)۸۳-۱۰۲.

- ۵- تقوی پور و صلواتیان (۱۳۹۴). الگوی خانواده تراز اسلامی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸(۶۹)، ۳۷-۵.
- ۶- حر عاملی، محمد بن حسن، حر عاملی، (۱۴۰۵). وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البيت (ع).
- ۷- حسین زاده، علی (۱۳۸۸) همسران سازگار، راههای سازگاری. قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۸- خضری، زهرا (۱۳۸۹). بررسی ریشه‌های ساختار مردسالارانه در خانواده‌ی ایرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دولتی. گروه جامعه‌شناسی. دانشگاه تبریز.
- ۹- الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: هجرت.
- ۱۰- سالاری فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۲). مبانی و ساختار زوج درمانی اسلامی. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۲(۱)، ۳۷.
- ۱۱- شعبانی، زینب و امیر حسین بانکی پور فرد (۱۳۹۱). سبک زندگی زوجی در معارف اهل بیت و ملاک‌های خانواده موفق. دو فصلنامه بانوان شیعه، ۶(۲۱)، ۱۵۱.
- ۱۲- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی سید محمد باقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی
- ۱۳- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الخبر، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۵- العیاشی، محمد بن مسعود، (۱۴۲۱)، تفسیر العیاشی، قم: موسسه البعثه.
- ۱۶- عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴). روزنامه‌ی خاطرات عین السلطنه. به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- ۱۷- فرمانفرمائی، مهرماه (۱۳۸۷). زیر نگاه پدر (خاطرات مهرماه فرمانفرمائی از اندرونی)، تهران: کویر.
- ۱۸- فیاض، ابراهیم و خضری، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی هویت زن ایرانی - مسلمان از خلال مفاهیم جنسیت. مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۵(۱)، 93-106.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۰- گروسی، اکرم (۱۳۸۹). مقایسه ساختار خانواده و نیمرخ روانی والدین کودکان در معرض سوء رفتار جنسی و والدین کودکان بهنجار. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی و میان رشته‌ای. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۱- گروسی، اکرم (۱۳۸۹). مقایسه ساختار خانواده و نیمرخ روانی والدین کودکان در معرض سوء رفتار جنسی و والدین کودکان بهنجار. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی و میان رشته‌ای. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۲- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضدروش ۲. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۳- ملکی فاراب، ندا (۱۳۹۶). خانواده تراز در جمهوری اسلامی ایران و کاربرد آن در رسانه، رساله دکتری، دانشگاه الزهرا.
- ۲۴- موسوی، مهری سادات (۱۳۹۵). بازنمایی معنایی طلاق توافقی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۲(۲)، ۲۸۷.
- ۲۵- مینوچین، سالوادور (۱۳۷۶). خانواده و خانواده‌درمانی، ترجمه محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- 26- Arnold A.L. & et al. (2015). How Family Structures and Processes Interrelate: The Case of Adolescent Mental Health and Academic Success in Military Families
- 27- Barrett A. E. Turner R. J (2005). Family structure and substance use problems in adolescence and early adulthood: examining explanations for the relationship. Addiction. Vol . 101, 1: 109-120

- 28- Boccio C. M. , Beaver K. M.(2017). The Influence of Family Structure on Delinquent Behavior. Youth Violence and Juvenile Justice, vol. 17, 1: pp. 88-106
- 29- Coleman, J. S. (1990). Foundations of social theory. Cambridge: M.A., Belknap
- 30- Fagan J (2016). Income and Cognitive Stimulation as Moderators of the Association Between Family Structure and Preschoolers' Emerging Literacy and Math. Journal of Family Issues, vol. 38, 17: pp. 2400-2424.
- 31- Freistadt J, Strohschein L (2012). Family Structure Differences in Family Functioning: Interactive Effects of Social Capital and Family Structure. Journal of Family Issues, vol. 34, 7: pp. 952-974.
- 32- Journal of Family Issues, vol. 38, 16. 6: pp. 858-879.
- 33- Ogburn, W. F. (1934c), You and Machines, Chicago: University of Chicago Press.
- 34- Strauss, A. & Corbin, J. (1994). "Grounded theory methodology, An overview". In N. K. Denzin and Y. S. Lincoln (eds). Hand book of qualitative research. Thousand Oaks, CA, Sage. . 273- 285.